

داربست

این عکس‌ها گزیده‌ای هستند از کتاب داربست (۱۳۹۹، نشر نظر).

این عکس‌ها از آسمان می‌آغازند، به زمین می‌رسند و در زمین می‌سُرند و دست آخر می‌خزند درون دوربین. اما تمام نمی‌شوند. انگار می‌خواهند از چارچوب اتاق تاریک هم بگریزند. پیش‌تر همیشه می‌خواستیم عکس‌ها را در قالب مجموعه بگنجانیم. اما این عکس‌ها — جز یکی دو تایی — از مجموعه‌ها بیرون مانده‌اند. ننگجیدن در یک قالب واحد شاید ویژگی مشترک این عکس‌ها باشد. یکی دیگر این‌که عکس‌ها هر کدام در کشاکش‌اند که درون چهار ضلع قاب بمانند یا از آن بگریزند. چیزها از جهان مادی و سه‌بعدی گریخته‌اند تا در سطح دوبعدی عکس آرام بگیرند. اما در این‌جا هم سر ماندن ندارند. اگر بادکنکی است یا میزی، سیمی، نرده‌ای، کتابی، آجری، عکسی یا دوربینی، همگی می‌خواهند درون این چهار ضلع بیافتند و از گوشه‌ی آن بگریزند. این کشاکش میان چیزها در جهان مادی و همان چیزها وقتی در سطح عکس تخت شده‌اند همیشه وسوسه‌ام کرده است. فاصله‌ی میان این سطح و آن جهان فضای معلق می‌سازد. این فضای معلق شاید گونه‌ای آزادی نامتعیین باشد. بودن و زیستن در این فضا دست کم برای من عکاس کیف‌آور است.

سرانجام گرفتن این عکس‌ها وام‌دار عزیزانی است: محمودرضا بهمن‌پور و دوستان نشر نظر؛ هرمز همتیان، سام رکنی‌وند و دوستان دستان؛ مهرداد نجم‌آبادی، مهدی وثوق‌نیا، مزدک عیاری، محمد اسماعیلی، و دست آخر دوستان‌ام در بایگان عکس و کلمه، محبوبه کرملی، سوگل غزنوی و غزاله.

کس چه می‌داند که این پرگار چیست؟/ یا از این پرگار بیرون کار چیست؟ (عطار نیشابوری)

To the Eyes and Heart of Ahmad Aali

Scaffolding

These photographs are a selection from the book *Scaffolding* (Nazar Art Publication, 2020)

These photographs start from the sky, come sliding down to the earth, and end up sneaking into the camera box. They do not run out. They seem to be fleeing the camera obscura. At some point, I wanted to include these photographs under different series. Apart from one or two, they have refused to do so; so much so that not-fitting-in-any-frame is possibly their shared characteristics. They struggle to decide whether to stay or flee the frame. Things - a party balloon, a desk, a wire, a fence, a book, a brick, a photograph, or a camera – run away from the three-dimensional, physical world to find peace in two-dimensions. Here, too, they have no intention to stay, to be ensconced, however. They want to land onto the frame before slipping out from a corner. Things commuting from the physical world to the flat surface of photograph seduces me. The in-between space mothers a suspended order and spawns an indeterminate freedom. Being and living in this space is a bliss, for me qua the photographer.

The completion of this work is indebted to my dears: Mahmoodreza Bahmanpour and *Nazar Art Publication* mates; Hormoz Hematian, Sam Roknivand and *Dastan* mates; Mehrdad Nadjmabadi, Mehdi Vosoughnia , Mazdak Ayari, Mohamad Esmaili, and last but not least my friends at *Baaygaan: House of Photographs and Words* : Mahboobeh Karamli, Sogol Ghaznavi and Ghazaleh.

Who knows what this firmament is? / Or what lies beyond its cardinals? (Farid Aldin Attar)